

# سیاست خارجی ایران در اور و آسیا:

## مسائل منطقه‌ای و جهانی خزر، انرژی و عدم اشاعه سلاح های هسته‌ای

دکتر سیدحسین موسویان\*

الف: ۱۰ نکته کلیدی

۱. حلقه‌های شکل‌گیری اور و آسیای جدید در منطقه‌ای برای محوریت یافتن بر منطقه است. که عمده‌ترین آن، رقابت قدرت‌های جهانی و خزر به هم می‌رسد. اگرچه در ژئواستراتژی، اصل بر سر دستیابی به مقیاس‌های جهانی است و نه منطقه‌ای، اما این یک واقعیت است که منطقه آسیای مرکزی به دلیل فاکتورهای متعدد در حوزه‌هایی نظیر اقتصاد و امنیت، و به دلیل ژئوپلیتیک خاص آن، در سال‌های آینده به ژئوپلیتیک جهانی تبدیل خواهد شد. چنین روندی در عین آنکه دارای فرصت‌های فراوان خواهد بود، چالش‌هایی را نیز پدید خواهد آورد و شامل محیط‌هایی هستند که به دلیل جنگ‌های
۲. یکی دیگر از ویژگی‌های نقشه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی، وجود سه حوزه «مناطق بحرانی»، «مناطق تحت فشار»، و «مناطق ژئواستراتژیک» در کنار یکدیگر است. مناطق بحرانی مناطقی هستند که در اثر منازعات داخلی چندپاره شده‌اند، و مداخله قدرت‌های خارجی در این مناطق با هدف تسلط نیز باعث تشدید واگرایی آنان شده است. «مناطق تحت فشار» نیز شامل محیط‌هایی هستند که به دلیل جنگ‌های

\* معاون پژوهش‌های امور بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک  
فصلنامه راهبردی، شماره ۴۹، پاییز ۱۳۸۵، صص ۱۲۰-۱۲۵

کاملی بر منطقه جنوبی خواهد داشت. دسته داخلی و اقدامات مداخله‌گرایانه کشورهای همسایه دچار بحران شده و بین مناطق ژئوپلیتیک قرار دارند. برخلاف مناطق بحرانی، این مناطق محل رقابت قدرت‌های بزرگ نبوده‌اند. در برخی موارد، این قدرت‌ها به‌عنوان حافظ صلح عمل کرده و سعی در پایان دادن به منازعات داشته‌اند. در کنار این موارد، «مناطق ژئواستراتژیک» هستند که دارای مطلوبیت‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی می‌باشند. آسیای مرکزی ترکیبی از این سه حوزه، با سطوح متفاوت است که همین امر می‌تواند فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های متفاوتی را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد.

۴. در عین حال سه حلقه رقابتی در منطقه وجود دارد که بر مبنای منافع گوناگون خود در منطقه با یکدیگر به رقابت پرداخته و در بسیاری از مواقع بخش‌هایی از این حلقه‌های رقابتی در هم ادغام می‌گردند. حلقه اول، روسیه و چین هستند، که در عین محوریت داشتن در پیمان شانگهای، تلاش دارند تا با گسترش نفوذ سیاسی، بر محیط استراتژیک و منابع منطقه مسلط گردند. دوم، آمریکا در یک سطح و اروپا و نهادهای غربی نظیر ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا در سطحی پایین‌تر، سطح سوم بازیگران حاشیه‌ای یا بازیگرانی است که به‌طور سنتی در منطقه حضور یا نفوذ داشته‌اند، نظیر جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی. این سه حلقه در برخی موارد به‌صورت مجزا عمل کرده، و در بسیاری موارد نیز سطوح آن در هم ادغام شده است.

۵. خلأ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ناشی از بیش از پیش تسهیل نماید. این محور تسلط

اسلامی ایران در منطقه است. بخشی از این سیاست به دلیل نگرانی از بازسازی امپراتوری سابق شوروی و نگرانی از ایران به دلیل نفوذ فرهنگی، و بخش عمده آن نیز به دلیل تأثیر سیاست‌های آمریکا جهت تسلط بر منطقه و منابع انرژی در آن است.

## نتیجه

۷. بنابراین از یکسو ما با فعال شدن بازیگران در

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، عملاً روند جهانی شدن این منطقه را سرعت بخشید. به عبارت دیگر توجه کشورهای منطقه از ترتیبات همکاری و امنیت منطقه‌ای به سمت ادغام در روندهای جهانی و به ویژه اقتصاد حرکت کرده است. همین امر، یعنی شدت یافتن گسترش لیبرالیسم در منطقه، به معنای روند تکمیلی اورآسیا است.

این حوزه مواجه هستیم، و از سوی دیگر با استراتژی‌های جدید آمریکا برای مهار روسیه در مرزهای خود از یکسو و تبدیل نمودن منطقه به حوزه‌ای از منافع این کشور در هر دو بخش انرژی و امنیت. اساساً آمریکا با این توجه که جهان در قرن بیست و یکم شاهد جدال بر سر دستیابی به منابع انرژی خواهد بود، تلاش گسترده‌ای را برای تسلط بر منابع انرژی حوزه خلیج فارس و دریای خزر سازماندهی نموده است. دسترسی به منابع نفتی خزر در استراتژی امنیت ملی آمریکا به عنوان منفعت حیاتی و حساس این کشور تعریف شده و این کشور استراتژی چندجانبه‌ای را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای حضور خود در منطقه خزر تعریف کرده است. در این استراتژی، گسترش ناتو به شرق در قالب «برنامه همکاری برای صلح» به عنوان عاملی برای تکمیل حلقه‌های اورآسیا و تسلط بر محورهای امنیتی

م در این شرایط دو تفکر متفاوت را در سیستم تابع آسیای مرکزی و قفقاز می‌توان مشاهده نمود. یک تفکر رئالیسم دینامیکی است که تا حدودی مبنای فلسفی روابط خارجی روسیه را تشکیل می‌دهد. در چارچوب این تفکر، ضمن آنکه اقتصاد و ادغام در اقتصاد جهانی یک اصل اساسی برای اصلاح ساختار داخلی قلمداد می‌کند، معتقد به آن است که روسیه همچنان ابرقدرت منطقه‌ای و مرکز سیستم تابع منطقه‌ای بوده و تنها از راه حفظ این هژمونی می‌تواند امنیت و منافع خود را تأمین کند.

تفکر دیگر پلورالیسم استراتژیک است که توسط کشورهای منطقه دنبال می‌گردد و هدف از آن ادغام منطقه در ترتیبات جهانی و خروج از ترتیبات منطقه‌ای است. همکاری گسترده با غرب به عنوان وزنه‌ای در برابر تسلط روسیه و همچنین گسترش فعالیت و حضور جمهوری

منطقه پیش‌بینی شده که در عین حال ضمن گسترش جمعیتی در منطقه، پراکندگی آنان در جمهوری‌های مختلف، توسعه نیافتگی این جمهوری‌ها و احتمال انتشار و یا استفاده ناگهانی از این تسلیحات، باعث گردیده است تا سیاست آمریکا در درجه اول بر کنترل و در

منطقه پیش‌بینی شده که در عین حال ضمن کنترل روسیه، باعث مهار ایران نیز شده و سیاست «منطقه بدون ایران»، به عنوان سیاست محوری آمریکا در منطقه را پیش می‌برد.

مراحل بعدی بر خلع سلاح هسته‌ای این کشورها متمرکز شود. امضای توافقنامه عاری کردن پنیچ کشور حوزه آسیای مرکزی، که منطقه اصلی تمرکز این تسلیحات محسوب می‌گردد، گامی در جهت هدف ذکر شده است

۸. آنچه مهم است، اینکه آمریکا قصد دارد در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی، حضور خود را در منطقه گسترش داده و به تدریج مسلط گردد. این کار از طریق نهادسازی، تقویت ارتباطات منطقه با نهادهای غربی نظیر ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا، اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی، و افزایش حضور نظامی

۱۰. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مهم در منطقه که می‌توان گفت به همراه روسیه از بازیگران مرکزی به‌شمار می‌آید، دارای اهداف و منافع خاصی است که سیاست‌های خود را نیز بر اساس دستیابی به این اهداف و منافع تنظیم می‌نماید. بیش‌ترین نگرش ایران به منطقه اقتصادی و فرهنگی است، اما تبدیل روزه‌های امنیتی باعث می‌گردد تا سیاست‌های امنیتی نیز در دستور کار دولت قرار گیرد.

در منطقه صورت می‌پذیرد. قطع وابستگی کشورهای منطقه به کشورهای مرکز در منطقه نظیر روسیه، چین و ایران، از طریق ایجاد ارتباطات متعدد و گوناگون فراملی، از جمله سیاست‌های رسمی دولت آمریکا است. همین مسئله دامنه ارتباطات و وابستگی‌های فرامنطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی را بالا برده و از میزان تسلط کشورهای مرکز برای کنترل تعاملات منطقه‌ای می‌کاهد.

## ب: ۷ نکته راهبردی

۱. بحث خزر جای از اقتصادی و سیاسی بودن آن، بخشی است در حوزه امنیت ملی و تعیین مرزهای حاکمیتی کشور. رژیم حقوقی دریای

۹. از سوی دیگر آمریکا در سیاست امنیتی خود، کنترل تسلیحات هسته‌ای و انتقال فناوری را در دستور کار قرار داده است. وجود تسلیحات

جهان مبدل گردد و لذا همکاری های مشترک منطقه ای در بخش انرژی یک راهبرد مهم نقلی می گردد.

۴. باید تلاش کرد تا در دو حوزه، مطلوبیت های اقتصادی را در انتقال انرژی و کالا فراهم آورد. مطلوبیت خط لوله انتقال انرژی از طریق خاک ایران هم از باب اقتصادی و هم امنیتی روشن

است. تلاش آمریکا برای پیش برد طرح «منطقه بدون ایران»، عملاً کشورهای منطقه را درگیر پروژه های پرهزینه و غیر اقتصادی و امنیتی انتقال انرژی از طرق دیگر نموده است. در حالی که ایران مسیر بسیار مناسب جهت انتقال محصولات آسیای مرکزی به جنوب آسیا از طریق خلیج فارس و دریای عمان است. این مسیر هم از جهت امنیتی و هم از بعد اقتصادی، نسبت به سایر مسیرها باصرفه تر است. لذا لازم است دیپلماسی ایران در این زمینه تحرک پیش تری از خود نشان دهد.

۵. ایجاد منطقه عاری از سلاح های هسته ای و کشتار جمعی در آسیای مرکزی امری مثبت بوده و گام مهمی در جهت ایجاد ثبات ارزیابی می شود، اما حضور نیروهای خارجی و تشدید نظامی گری، و در عین حال عدم پیوستن روسیه

خزر باید از ترکیب اقتصاد و امنیت پدید آید، به گونه ای که منافع تمامی کشورهای ساحلی از بعد حاکمیتی و اقتصادی تأمین گردد. این امر نه از طریق قراردادهای دو یا چند جانبه، بلکه از طریق توافق میان تمامی کشورهای منطقه، به گونه ای که منافع تمامی کشورها در آن لحاظ

گردد، امکان پذیر خواهد بود.

۶. ورود بازیگر ششم در بحث خزر، و یا نیروی سوم در منطقه به نفع جمهوری اسلامی ایران نیست. برخی کشورهای ساحلی برای تأمین منافع و امنیت ملی و همچنین افزایش سطح بازیگری خود سعی دارند تا آمریکا را به عنوان بازیگر ششم و نیروی سوم وارد منطقه کنند. تلاش ایران برای افزایش همکاری های اقتصادی و سیاسی، و بالا بردن مؤلفه های اعتماد ساز و گسترش ارتباطات دیپلماتیک، از جمله مواردی است که سیاست خارجی ایران نسبت به منطقه باید به طور جدی دنبال کنند.

۳. منابع انرژی موجود در منطقه باید به عنوان عاملی جهت توسعه بومی منطقه به کار گرفته شود. تسلط کشورهای فرامنطقه ای بر این منابع تنها روندهای وابستگی را افزایش خواهد داد. این منطقه می تواند به یکی از قطب های انرژی

به عنوان بزرگ‌ترین دارنده تسلیحات هسته‌ای اقتصادی منطقه‌ای را تقویت کند.

- تقویت پیمان شانگهای می‌تواند عاملی باشد در منطقه به طرح ماکور، کارآمدی توافقنامه را با ابهام همراه می‌سازد. استفاده روسیه از پایگاه نظامی باکتور در قزاقستان به عنوان عضوی از توافقنامه، عملاً حرکتی در جهت خلاف مفاد توافقنامه خواهد بود. به هر صورت طرح ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای و گسترش جمعی در آسیای مرکزی و قفقاز در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران در منطقه بوده و باید در این راستا تحرکات لازم را صورت داد.

۶. وجه خاص به سیستم تابع منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان موضوعی در راستای منافع و امنیت ملی ایران نیز قابل توجه است. این منطقه باید در آینده اقتصاد، امنیت و ثبات جهانی نقش بسیار مهمی را ایفا کند.

۷. حمایت از کلیه همکاری‌های منطقه‌ای که در راستای ارتقاء جایگاه منطقه باشد، راهبردی صحیح خواهد بود. از جمله این موارد می‌توان به حمایت ایران از توسعه و گسترش اکو و یا پیمان شانگهای و تلاش برای ایجاد شرایط دستیابی به نظام امنیت منطقه‌ای اشاره کرد.

- ایران باید سعی کند با گسترش فعالیت‌های اقتصادی در چارچوب اکو، نظام همکاری

<sup>۱</sup> سخنرانی سناتور سام براون یک در جلسه ۲۶ سپتامبر کمیسیون امنیت و همکاری اروپا (پیمان کمیسون هلندیکی) در خصوص اثرات پیمان شانگهای در منطقه آسیای مرکزی.